

بازخوانی و آسیب‌شناسی گونه‌ها و سبک‌های مقاتل امام حسین علیه السلام

* انسیه عسگری

** محسن رفعت

چکیده

یکی از راه‌های اطمینان به صحت یک گزارش تاریخی، نزدیکی زمانی آن گزارش به واقعه است. فاصله زمانی و دخالت حلقه‌های واسطه در نقل هر واقعه، ذهنیت‌های غیرواقعی، دروغ‌ها و تحریف‌ها را در گزارش وارد می‌کند. در این میان، توجه به گونه‌های تألیفی در خصوص عاشورا می‌تواند عنصری برای نیل به روایت حقیقی عاشورا باشد. این مقاله تلاش می‌کند با رویکردی توصیفی - تحلیلی به انواع نگارش‌ها و سبک‌ها در این حوزه بپردازد و با معرفی ویژگی‌های هرگونه، آفت‌های عمده و اصلی این عرصه را که سبب برداشتی ناصواب از روایت راستین عاشورا شده، بررسی نماید. آفت‌هایی نظیر تقطیع، برداشتهای ناصواب و فرقه‌گرایانه، بی‌توجهی به اسناد و مبالغه سبب می‌شود روش‌ها و شیوه‌های اتخاذی در برگرفتن عناصر تألیفی در حوزه مقتل‌نگاری مخدوش شود. بدیهی است وقتی مقتل پژوه به نوع و سبک تألیفی مقاتل و آسیب‌های آنها توجه کند، می‌تواند بر اساس آن، به دور از کج‌اندیشی، تحلیلی صحیح از واقعه عاشورا ترسیم کند.

واژگان کلیدی

سبک‌شناسی، گونه‌شناسی، آسیب، مقاتل، امام حسین علیه السلام، عاشورا.

*. استادیار گروه قرآن و حدیث دانشگاه حضرت معصومه علیها السلام و مدرس دروس معارف اسلامی.

asgari.nc@gmail.com

** استادیار گروه قرآن و حدیث دانشگاه حضرت معصومه علیها السلام و مدرس دروس معارف اسلامی (نویسنده مسئول).

mohsenrafaat@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۱۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۴/۱۲

طرح مسئله

تأثیرات عمیق و گسترده سیاسی - اجتماعی حادثه عظیم کربلا در تاریخ اسلام و به‌ویژه تشیع، فرد کنجکاو و علاقه‌مند به حقایق تاریخی را به شناخت منابع گزارش‌های این رویداد سوق می‌دهد. به‌ویژه آنکه از دیرباز ادعای نامکتوب ماندن گزارش‌های اسلامی و حتی قرآن تا نیمه سده دوم، از سوی خاورشناسان مطرح بوده است.^۱ هرچند از عاشورا بیش از سیزده قرن گذشته و به همین رو، حتی تعیین دقیق نخستین کسانی که به ثبت واقعه عاشورا پرداخته‌اند، دشوار است؛ با این حال، تتبع در منابع برجای مانده، تاحدودی، واقعیت تاریخی عاشورا را ملموس می‌کند.^۲ همواره نخبگان، زیرساخت‌های فکری و بنیادهای اندیشه عمومی را با وقایع‌نگاری‌ها و تحلیل‌های علمی سامان داده‌اند، بنابراین، شناخت بیشتر این منابع، بر فرهنگ مردمی شیعه که مشتمل و متشکل از عزاداری، نوحه‌سرایی و تعزیه است، تأثیر دارد. فرهنگ عاشورا از دو ناحیه ضربه دیده است: یکی زورمدارانی که عاشورا را مانع مقاصد خود می‌دانسته‌اند؛ دیگر، معتقدانی که ندانسته و از سر ارادت، دروغ‌سازی کرده‌اند. همچنین در برخی موارد، حاکمانی مسلمان، از آموزه‌های عاشورا بهره‌برداری سیاسی کرده و آن را وسیله‌ای برای تحکیم سلطه پنداشته‌اند. این در حالی است که شیعه، عاشورا را مهم‌ترین رخداد تاریخ اسلام می‌داند و برای معرفی آن به جهانیان، هزینه مادی و معنوی قابل توجهی صرف می‌کند. پس درایت هر نخبه‌ای اقتضا می‌کند تا از این واقعه، ابهام‌زدایی و تحریف‌زدایی کند.^۳

توجه به گونه‌های تألیفی در حوزه مقتل‌نگاری می‌تواند پرده از حیثیت پژوهش در عرصه عاشورا بردارد و زمینه تحقیق در آن را فراهم سازد. توجه به آفت‌ها و آسیب‌های آن نیز گویای وجود محوری‌ترین گزندی است که در این گونه‌شناسی امکان وجود دارد. پژوهش حاضر این مهم را با محوریت پرسش‌های ذیل و با روش تحلیلی - انتقادی به بحث نشانده است:

اهم گونه‌های تألیف که در این عرصه قلم زده شده‌اند، کدام است؟ آسیب‌ها و آفات موجود در این گونه مقاتل چیست؟ و تأثیر این آسیب‌ها در حوزه معرفت‌شناختی مقاتل چه بوده است؟

مقالات *مقتل و مقتل‌نگاری از محمدجواد صاحبی، سیری در مقتل‌نویسی از آغاز تا عصر حاضر از محسن رنجبر مقتل‌نگاری شیعیان از آغاز تا قرن پنجم از محمدجواد باوری، پیشینه عمومی برای اثر حاضر است، اما در هیچ‌یک از آنها، اکتشاف و ارزیابی ادله و ارائه نظریه‌ای جامع برای برون‌رفت از برخی آسیب‌ها و آفات*

۱. برای مطالعه بیشتر، ر.ک: موتسکی، جمع و تدوین قرآن، ص ۱۹۶ - ۱۵۵.

۲. ر.ک: عالم‌زاده، «پیشینه تاریخ‌نگاری عاشورا»، تاریخ اسلام، ص ۸۴.

۳. نوری، لؤلؤ و مرجان، ص ۳۶.

گونه‌ها و سبک‌های مختلف مقاتل، مسئله اصلی این دانشوران نبوده و در پژوهش‌های نشریافته، کتاب یا مقاله‌ای با محوریت پاسخ به مسائل مدنظر این پژوهش یافت نشده است.

الف) واکاوی علل اهتمام به نگارش مقتل

توجه قرآن بر تاریخ و سفارش به عبرت‌آموزی از قصص تاریخی، مسلمانان را به حفظ و تدوین سیره پیامبر صلی الله علیه و آله - برای الگوگیری از آن - ترغیب کرد و این مهم از سوی ائمه علیهم السلام مورد سفارش قرار گرفت.^۱ سیره‌نگاری زمینه توجه مسلمانان به علم تاریخ را فراهم کرد و مورخان اهل سنت و شیعه موضوعات جدید تاریخی را دست‌مایه پژوهش قرار دادند. یکی از گونه‌های اصلی تاریخ‌نگاری مسلمانان، مقتل‌نگاری است. با عنایت به نحوه شهادت بعضی امامان شیعه، این گرایش از تاریخ‌نگاری در میان شیعیان، افزون بر موضوعات مورد اهتمام دیگر،^۲ مورد توجه خاص قرار گرفت. در اهتمام تشیع به تاریخ خود، توجه به ظلم و ستم سیاسی - اجتماعی وارد بر شیعیان، اهمیت دارد. این فشارها از زمان رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله آغاز شد که به شهادت حضرت زهرا علیها السلام منجر گردید.^۳ این مصیبت‌ها بعد از شهادت امام علی علیه السلام با تعقیب شیعیان به‌وسیله حکام اموی اوج گرفت.^۴ شهادت مظلومانه حجر بن عدی و یارانش در زمان معاویه^۵ نمونه این ستم‌ها است. دوره خلافت مروان‌یان، دوره اوج خفقان بود، به‌گونه‌ای که بر دهان آزادی‌خواهانی چون میثم تمار، لگام زدند.^۶ خصومت علیه شیعیان ادامه یافت تا آنکه در محرم سال ۶۱ حادثه کربلا، بزرگ‌ترین مصیبت را بر خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله وارد کرد. بعد از عاشورا، سرکوبی شیعیان شدت بیشتری یافت و جنایت علیه شیعه پس از بنی‌امیه و حتی در خلافت بنی‌عباس - که با شعار «الرّضا من آل محمّد» روی کار آمدند - با فشار سخت‌تری ادامه داشت.^۷ همه این جنایات سبب شد، به‌رغم موانع و مشکلات بسیار در تاریخ‌نگاری، مورخان یا محدثان شیعی،

۱. برای نمونه ر.ک: نجاشی، الرجال، ص ۲۱۳.

۲. ر.ک: رنجبر، «سیری در مقتل‌نویسی و تاریخ‌نگاری عاشورا (۱)»، تاریخ در آینه پژوهش، ص ۱۶۷ - ۱۶۶.

۳. دینوری، الإمامة و السياسة، ج ۱، ص ۳۱؛ بلاذری، أنساب الأشراف، ج ۱، ص ۵۸۶؛ مسعودی، مروج الذهب، ج ۲، ص ۳۰۱؛ ابن‌عبدالبر، الإستیعاب، ج ۴، ص ۱۹۰۰ - ۱۸۹۳.

۴. بلاذری، أنساب الأشراف، ج ۳، ص ۴۸؛ طبری، تاریخ الطبری، ج ۵، ص ۱۶۰.

۵. خلیفه بن خیاط، تاریخ خلیفه، ص ۱۳۱؛ ابن‌سعد، الطبقات الکبری، ج ۶، ص ۲۴۱؛ یعقوبی، تاریخ الیعقوبی، ج ۲، ص ۲۳۰؛ طبری، تاریخ الطبری، ج ۵، ص ۲۵۳؛ مفید، الإرشاد، ج ۲، ص ۱۰.

۶. مفید، الإرشاد، ج ۱، ص ۳۲۵ - ۳۲۳.

۷. کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۴۱۱؛ مفید، الإرشاد، ج ۲، ص ۱۷۲.

بیش از هر چیز، به ثبت کشته شدن افراد برجسته اهتمام ورزند و اولین رگه‌های تدوین و نگارش تاریخ توسط شیعیان در قالب سیره، تک‌نگاری (مقتل و وقایع‌نگاری) و ... شکل بگیرد. کتاب‌هایی که تا سده دوم و سوم نگاشته شده، منابع اولیه واقعه عاشورا هستند. این کتاب‌ها سه‌گونه تألیفی هستند: یا مؤلف از شاهدان واقعه است که در صورت وثاقت، بالاترین اعتبار را دارد؛ یا مؤلف با واسطه از شاهدان نقل کرده؛ یا بی‌استناد به سخن حاضران، اثر را تدوین کرده است. دو گروه اخیر نسبت به گروه نخست به ترتیب اعتبار کمتری دارند.^۱

ب) محدوده شمول مقاتل امام حسین علیه السلام

مقتل در بردارنده دو معنا است: اسم مکان از ریشه «قتل» به معنای کشتن‌گاه؛^۲ مصدر میمی به معنای قتل، مرگ، نبرد خونین که در این معنا، مقتل نوشته‌ای است گزارش‌گونه در خصوص نحوه مرگ یک شخص یا گروه. در فرهنگ لغت شیعیان، به رغم وجود مقتل برای افراد مشهور^۳ این واژه به شهادت امام حسین علیه السلام منحصر شد.^۴ پس در اصطلاح تاریخ‌نگاری، مراد از «مقتل الحسین علیه السلام»، نوعی نگاشته تاریخی است که جریان شهادت امام حسین علیه السلام و واقعه کربلا از آغاز تا پایان را شرح می‌دهد.

برخی بر این باورند که وجه تسمیه مقتل الحسین علیه السلام، به جهت اسم مکان، آن است که کل اخبار مربوط به واقعه عاشورا و کیفیت شهادت امام حسین علیه السلام و یارانش در یک‌جا و یک اثر، جمع شده است؛^۵ اما تعبیری که مورخان و محدثان در این باره استفاده کرده‌اند، بازتاب چنین معنایی نیست. برای مثال، وقتی ایشان از تعبیر «فی مقتل الحسین»^۶ برای بیان اخبار شهادت استفاده می‌کنند، مرادشان اخباری است که در خصوص کشته شدن امام حسین علیه السلام نقل شده است. چه بسا اخباری در یک مکان گردآوری شده است اما مؤلف تعبیر مقتل را درباره آن به کار نبرده باشد، از این رو اگر عنوان مقتل بنا بر مصدر میمی تعریف شود، جامع‌تر و کامل‌تر خواهد بود. بنابراین «مقتل» به مجموعه

۱. حسینی، معرفی و نقد منابع عاشورا، ص ۲۶ - ۲۵.

۲. ر.ک: انیس، المعجم الوسیط، ذیل ماده قتل؛ دهخدا، لغت‌نامه دهخدا، ذیل واژه «مقتل».

۳. همانند مقتل عمر بن خطاب، مقتل عثمان، مقتل علی بن ابی‌طالب علیه السلام، مقتل حجر بن عدی، مقتل حسین بن علی علیه السلام. (برای مطالعه درباره این مقاتل، ر.ک: طهرانی، الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج ۲۲، ص ۳۱ - ۲۹).

۴. صاحبی، «مقتل و مقتل‌نگاران»، کیهان فرهنگی، ص ۳۱.

۵. رنجبر، «سیری در مقتل‌نویسی و تاریخ‌نگاری عاشورا از آغاز تا عصر حاضر (۱)»، تاریخ در آینه پژوهش، ص ۱۶۸.

۶. ابن‌سعد، الطبقات الکبری، ص ۴۳۹؛ «فکنت جوامع حدیثهم فی مقتل الحسین»؛ مسعودی، مروج الذهب، ج ۳، ص ۶۸؛ «ما قیل فی مقتل الحسین علیه السلام» و دیگر عبارات.

اخباری اطلاق می‌شود که درباره چرایی، کیفیت و چگونگی شهادت امام حسین علیه السلام نگاشته شده باشد. بدیهی است که این کیفیت به صورت عام، از مرگ معاویه تا پس از ورود اهل بیت علیهم السلام به مدینه را می‌تواند دربرگیرد؛ زیرا مجموعه مقاتل تاریخی شیعی و سنی، این روند را در اطلاعات مربوط به شهادت امام حسین علیه السلام پی گرفته‌اند. بنای این پژوهش نیز بر چنین گزاره‌ای استوار است. مقصود از مقتل در این پژوهش، مجموعه نوشته‌هایی است که همه یا بخش زیادی از آن، درباره واقعه عاشورا باشد، گرچه در واقع، بسیاری از آنها عنوان «مقتل» ندارند.

ج) تفاوت سبک‌شناسی و نوع‌شناسی

سبک «Style»، به گونه‌ای ادبی اطلاق شده که بنا به مشخصات و وجوهی، از دیگر فرآورده‌های هنری هم‌ردیفش، متمایز است. سبک در اصطلاح، روش خاص ادراک و بیان افکار به وسیله ترکیب کلمات و انتخاب الفاظ و طرز تعبیر است که به یک اثر ادبی وجهه خاص خود را از لحاظ صورت و معنا القا می‌کند؛ بنابراین سبک، هم فکر و هم جنبه ممتاز آن و هم طرز تعبیر را در نظر می‌گیرد، در صورتی که «نوع» فقط طرز انشاء را بیان می‌کند. در ادبیات پارسی، گلستان سعدی در نوع مقاله‌نگاری با مقامات حمیدی مشترک است، ولی در سبک با وی اختلاف دارد. همچنین قصاید عرفی شیرازی و عنصری در نوع شعر مشترکند ولی از حیث سبک جدا هستند.^۱

براساس این تعریف، می‌توان مقتل نویسی را گونه‌ای برای نگارش تاریخ فرض کرد و نوعی نگاشته تاریخی دانست که به سبک‌های مختلفی چون واعظانه، ناقدانه، ادیبانه و ... بیان می‌شود.

د) بازشناسی نوع مقاتل و آسیب‌های آن

مقتل نگاشته‌ای تاریخی است که به سه نوع گزارشی، ترکیبی و تحلیلی، قابل تقسیم است که هم مقاتل تک‌نگاری و هم عمومی را دربرمی‌گیرد. در بخش پیش‌رو، این سه نوع مقتل و آسیب‌های آن معرفی می‌شود.

۱. مقاتل گزارشی (نقلی)

در این نوع از مقتل، مورخ یا محدث، با ساختار نقلی، حوادث عاشورا را بیان می‌کند. به عبارت دیگر، مقتل‌نگار، گزارش خود را به واسطه روایت دیگر و اصطلاحاً «مُعَنَّ» و بدون هرگونه دخل و تصرفی نقل می‌کند. ویژگی‌های مقاتل گزارشی، بدین قرار است:

۱. بهار، سبک‌شناسی، ج ۱، ص ۵-د ه.

الف) دارای رویکرد صرفاً تاریخی بوده‌اند.

ب) در این مقاتل، نقل از معصوم یا معصومان حاضر یا غیرحاضر در عاشورا قابل بازیابی است.

ج) سندمحوری در مقاتل ابتدایی، یکی از ویژگی‌های شاخص این مقاتل است.

د) مؤلف اصل متن را - یا دست کم مضمون سخن را - به اولین گوینده یا شنونده و یا بیننده

استناد می‌دهد و نقل می‌کند و از خود چیزی نمی‌گوید.

ه) هم از اهل سنت و هم از شیعه به این نوع نگارش روی آورده‌اند و این مسئله، اهمیت و

بازتاب قیام حسینی را به رخ می‌کشاند.

و) بیشتر کسانی که در آثار خود از گونه گزارشی بهره جسته‌اند، غالباً از جرگه محدثان هستند.

ز) در ساخت شکلی چنین مقاتلی معمولاً انسجام موضوعی دیده نمی‌شود.

مقتل گزارشی، هم در نوع تک‌نگاری و هم در نوع نگارش عمومی تاریخ ثبت شده است.

یک. گزارش تک‌نگاری

در ابتدا، نگاشته‌های مربوط به عاشورا، از نظر کمیت، سیر صعودی داشته است. اوج این نگارش‌ها، در

سده‌های سوم و چهارم بوده و پس از آن، رو به کاهش گذارده است.^۱ از بیشتر تک‌نگاری‌های این

دوره اثری باقی نمانده و تنها نام یا گزارش‌های محدودی از آنها در آثار بعدی آمده است. نسخه

خطی برخی از آنها، گاه به چاپ رسیده است. برخی از این آثار نیز از خلال تاریخ‌نگاری‌های عمومی

انتخاب و به صورت مجزا چاپ شده است. سه نمونه از تک‌نگاری‌ها عبارتند از:

۱. مقتل الحسين علیه السلام: جابر بن یزید جعفی از اصحاب امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام متوفی ۱۲۸ ق.^۲

۲. تسمیه من قتل مع الحسين علیه السلام من ولده و إخوته و اهل بئته و شیعتہ: فضیل بن زبیر اسدی رستان کوفی (از اصحاب امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام).^۳

۳. مقتل الحسين علیه السلام: قاسم بن اصبغ بن نباته مجاشعی.^۴

همچنین به نام نویسندگان دیگری نیز *مقتل الحسين* علیه السلام ثبت شده است، از جمله: عمار بن ابی معاویه

بجلی دهنی مشهور به عمار دهنی (م ۱۳۳ ق)؛ ابومخنف لوط بن یحیی بن سعید ازدی کوفی که با

۱. رنجبر، «سیری در مقتل نویسی و تاریخ‌نگاری عاشورا از آغاز تا عصر حاضر (۱)»، تاریخ در آینه پژوهش، ص ۱۶۹ - ۱۶۸.

۲. نجاشی، الرجال، ص ۱۲۹ - ۱۲۸؛ امین عاملی، اعیان الشیعه، ج ۴، ص ۵۱.

۳. برقی، الرجال، ص ۱۱ و ۳۵.

۴. طوسی، الرجال، ص ۸۹.

تکیه به منابع تاریخی اشخاصی هم‌چون طبری، بلاذری، شیخ مفید و ... می‌توان بدان دست یافت؛ هشام بن محمد کلبی (م ۲۰۴ ق یا ۲۰۶ ق)؛^۱ محمد بن عمر واقدی (م ۲۰۷ ق)^۲ و ...

دو. گزارش عمومی

آثاری که به حوادث سده نخست یا دوره اسلامی می‌پردازند، همگی واقعه عاشورا را گزارش کرده‌اند. افرادی چون ابوالفرج اصفهانی در *مقاتل الطالبیین*، طبرانی در *المعجم الکبیر*؛ قاضی نعمان مغربی در *شرح الاخبار*؛ ابن قولویه در *کامل الزیارات*؛ شیخ صدوق در *الأمالی*؛^۳ خصیبی در *الهدایة الکبری*؛ خوارزمی در *مقتل الحسین علیه السلام*؛ ابن عساکر در *تاریخ مدینة دمشق* و جوینی خراسانی در *فراند السمطین*.

طبری در تاریخ خود، ۱۰۰ روایت از ۱۲۶ روایت عاشورایی را از طریق ابومخنف نقل می‌کند. او به شیوه محدثان، از روش نقلی سود جسته و متن هر خبر را همراه سند می‌آورد. طبری با پرهیز از هرگونه نقد و تحلیل، تمامی روایات مختلف و گاه متباین درباره یک واقعه را یکجا گردآوری کرده است.^۴ وی با درج سلسله اسناد هر رویداد، آن را از زبان شخص اول یا شاهد ماجرا ذکر کرده، ضمن آنکه ارزش روایات نیز در نزد او وابسته به سند است و هرچه سند یک رویداد به زمان وقوع نزدیک‌تر باشد، اعتبار روایت هم بیشتر است.^۵

بلاذری نیز در *أنساب الأشراف* در بیان وقایع عاشورا، به شیوه گزارشی عمل کرده است و همانند برخی از معاصران، اسناد و روایات را به‌صورت متوازن درهم آمیخته است. گاه با الفاظ خاص محدثان، هم‌چون «حدثتی» و «أخبرنی»، و گاه با اشاره صریح به منبع، مانند «قال المدائنی»^۶ یا «قال الواقدی»^۷ گزارش می‌کند. گزارش‌های بلاذری عمدتاً با روایات طبری و ابومخنف سازگاری دارد. گرچه وی در یکی دو مورد از ابومخنف نام برده، اما تمام اسناد روایت او را حذف و در برخی موارد، مطالب را مختصر

۱. نجاشی، *الرجال*، ص ۴۳۵ - ۴۳۴.

۲. ابن ندیم، *الفهرست*، ص ۱۱۱.

۳. مقتل شیخ صدوق، از نوع نقلی است و در امالی‌اش ذکر شده است. مراد از امالی‌ها در حدیث‌نگاری، املا کردن حدیث به‌وسیله استاد بر شاگردان است (حاجی خلیفه، *کشف الظنون*، ج ۱، ص ۱۶۱) که با سبک مجلس‌نگاری در مقتل که در ادامه تعریف می‌شود، تفاوت دارد.

۴. ر.ک: طبری، *تاریخ الطبری*، ج ۳، ص ۱۹۶؛ ج ۵، ص ۴۱۴ - ۴۱۳.

۵. سزگین، *تاریخ التراث العربی*، ص ۴۵۹ - ۴۵۸.

۶. بلاذری، *أنساب الأشراف*، ج ۱، ص ۴۰، ۱۸۰ و ۲۲۱؛ ج ۲، ص ۳۹، ۱۱۵، ۱۶۶ و ...

۷. همان، ج ۱، ص ۵۸، ۷۹، ۸۱، ۹۷، ۱۰۰، ۱۰۳ و ...

کرده است، درحالی که وقتی مطالبی اضافه بر نقل ابومخنف می‌آورد، سند آنها را ذکر می‌کند.^۱ نوع گزارشی در *الطبقات الکبری* نیز استفاده شده است. هرچند ابن سعد به‌طور دقیق مشخص نمی‌کند که کدام گزارش مربوط به کدام سند است، به همین جهت جهت گزارش وی همانند روایت و حدیث نیست، بلکه اخباری است که وی آنها را شنیده و گزینش کرده است.^۲

سه. آسیب‌های مقتل گزارشی

الف) آسیب‌های متن محور

آسیب‌های عمومی چون تحریف، تصحیف و ... که در هر نقلی امکان وقوع دارد، در مقاتل گزارشی نیز احتمال راه‌یابی داشته‌اند. برای نمونه در گزارش به کارزار رفتن برادران حضرت عباس علیه السلام چنین آمده است: «یا بنی اُمّی، تقدّموا حتی ارثکم، فانه لا ولد لکم، ففعلوا، فقتلوا»^۳ «ارثکم» که در این عبارت آمده در اصل «أرثیکم» بوده و به دلیل وجود «حتّی ناصبه» - که عامل است - لام الفعل آن [یاء] حذف شده است.^۴ در کتب لغت «رثا یرثی» به معنای رثا گفتن پس از مرگ کسی است،^۵ از این رو جمله بدین معناست: «پیش روید تا رثای شما گویم که فرزند ندارید.» ابوالفرج و دیگران گمان کرده‌اند که «ارثکم» از ماده «ورث یرث» به معنای ارث بردن از کسی است،^۶ درحالی که عبارتی که با ماده «رثا یرثی» معنا شود با سیاق جمله «تقدّموا» و «فانه لا ولد لکم» سازگارتر است. با این حال، افرادی چون ابوالفرج تصور کرده‌اند که حضرت عباس علیه السلام به منظور به ارث بردن اموال برادرانش، آنان را برای جنگ پیش قدم کرد.^۷ مثال دیگر، اشتباه ابن اعثم در نام غارتگران است. وی ایشان را چنین معرفی می‌کند: شخصی از بنی تمیم، به نام «أسود بن حنظله»، شمشیر حسین علیه السلام را و «جعفر بن وبر حضرمی» جامه را، «یحیی بن عمرو حرمی» ازار را، «جابر بن زید ازدی» عمامه را و «مالک بن بشر کنندی» زره را غارت کردند.^۸ درحالی که منابع پیش از ابن اعثم چون بلاذری و طبری،

۱. حسینی، معرفی و نقد منابع عاشورا، ص ۶۳؛ رفعت و دیگران، روایات عاشورایی آنساب الأشراف در میزان نقد و بررسی، ص ۴۷.

۲. ابن سعد، الطبقات الکبری، ص ۴۳۹ - ۴۳۶؛ همو، ترجمه الامام الحسین علیه السلام، ص ۵۳.

۳. طبری، تاریخ الطبری، ج ۵، ص ۴۴۹ - ۴۴۸؛ ابن اثیر، الکامل، ج ۴، ص ۷۶.

۴. رک: انصاری، معنی اللیب، ج ۲، ص ۲۷۷ - ۲۶۹.

۵. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۴، ص ۳۰۹: «رثی فلان فلاناً یرثیه رثیاً و مرثیه إذا بکاه بعد موته».

۶. همان، ج ۲، ص ۱۹۹: «ورثه ماله و مَجْدَه، و ورثه عنه ورثاً و ورثه و ورثه و إرثه».

۷. اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص ۸۹.

۸. کوفی، الفتوح، ج ۵، ص ۱۱۹.

افراد مذکور را به نحو دیگری یاد کرده‌اند: «بحر بن کعب» ازار، «قیس بن اشعث» روپوش، مردی از بنی اود به نام «اسود» نعلین، مردی از بنی نهشل بن دارم شمشیر، «إسحاق بن حیوه حصرمی» لباس امام.^۱ همچنین به نظر می‌رسد ابن طاووس در خصوص حضور صوحان بن صعصعه بن صوحان در زمان امام سجاد علیه السلام دچار چنین آسیبی باشد. از نقل ابن طاووس چنین برمی‌آید که صعصعه فرزندى به نام صوحان داشته که در زمان امام سجاد علیه السلام زمین‌گیر بوده است.^۲ در حالی که نه تنها منابع تاریخی برای صعصعه، فرزندى به نام صوحان ذکر نکرده‌اند، مرگ صعصعه را نیز در سال ۶۰ گزارش کرده‌اند^۳ که بسیار بعید است اگر فرزندى بدین نام هم داشته، در سال ۶۱ زمین‌گیر شده باشد.

ب) آسیب‌های سندمحور

بدیهی است که در مباحث تاریخی، شواهد و قرائن نسبت به اسناد در اولویت هستند ولی چون در مقاتل گزارشی، اخبار از طریق روایان متعدد به شاهدان عینی می‌رسد، اگر اعتبار روایان یا پیوستگی اسناد خدشه‌دار باشد، آسیب آن متوجه نقل مقتل می‌شود. ابن سعد در ابتدای مقتل امام حسین علیه السلام ۹ سند ذکر کرده است. ۵ سند به خود او منتهی می‌شود و باقی به محمد بن عمرو اقدی. بنا بر بررسی سندی به صورت کلی، از این ۹ سند، سند نخست و پنجم میان سندشناسان محل اختلاف است که عده‌ای این دو سند را صحیح و عده‌ای ضعیف دانسته‌اند اما بقیه به دلیل وجود مجاهیل و افراد منکر یا کذاب الحدیث، ضعیف هستند.^۴ محقق کتاب ابن سعد نیز غالب اسناد جزئی روایات او را با بررسی سندی، ضعیف خوانده است.^۵

۲. مقاتل ترکیبی (تطبیقی)

وقتی مقتل نگار، سلسله اسناد را ذکر نمی‌کند و درصدد نقل یک‌یک روایات نیست؛ بلکه تنها تحت‌عناوین و موضوعات به تبیین حوادث به صورت متنی یکدست و برگزیده از روایات عاشورایی می‌پردازد، چنین پردازشی از مقتل را ترکیبی یا تطبیقی نام می‌نهمیم. در این نوع، مقتل نگار به جای ذکر روایات مختلف، از راه مقایسه ترکیبی و ایجاد سازگاری میان آنها (تطبیق)،^۶ واقعه مذکور را طی یک عنوان توضیح می‌دهد. در میان نویسندگانی که به این گونه گزارش‌دهی روی آورده‌اند، می‌توان به این افراد اشاره کرد:

۱. ر.ک: بلاذری، *أنساب الأشراف*، ج ۳، ص ۲۰۴؛ طبری، *تاریخ الطبری*، ج ۵، ص ۴۵۳؛ ابن‌اثیر، *الکامل*، ج ۴، ص ۷۸.

۲. ابن طاووس، *اللهورف*، ص ۲۰۲.

۳. ابن سعد، *الطبقات الکبری*، ج ۶، ص ۲۴۴؛ طبری، *تاریخ الطبری*، ج ۱۱، ص ۶۶۵؛ عسقلانی، *تقریب التهذیب*، ج ۱، ص ۵۴۷.

۴. ابن سعد، *الطبقات الکبری*، ص ۴۳۹ - ۴۳۶.

۵. ر.ک: همان، ص ۵۰۹ - ۴۳۶.

6. Corresponding.

دینوری در *الأخبار الطوال*؛ یعقوبی در *تاریخ*؛ ابن اعثم کوفی در *الفتوح*؛ مسعودی در *مروج الذهب*؛ شیخ مفید در *الإرشاد*؛ مسکویه رازی در *تجارب الأمم*؛ فتال نیشابوری در *روضه الواعظین*؛ ابن شهر آشوب در *مناقب آل ابی طالب*؛ ابن جوزی در *المنتظم*؛ ابن اثیر در *الکامل*؛ ابن نما در *مثیر الأحران*؛ سبط بن جوزی در *تذکره الخواص*؛ ابن طاووس در *لهوف*؛ اربلی در *کشف الغمه*؛ ابن کثیر در *البدایة و النهایة* و ابن صباغ مالکی در *الفصول المهمه*.

ویژگی‌های مقتل ترکیبی را می‌توان به نحو زیر تبیین کرد:

الف) ویژگی منحصر به فرد این نوع تألیف تاریخی آن است که محقق می‌تواند همه آنچه در گذشته اتفاق افتاده، با تمام جریان‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و ... احیا کند؛^۱ بنابراین، مقتل نگار در این شیوه باید بر روایات عاشورایی و یا مسائل تاریخی احاطه داشته باشد تا بتواند از ترکیب روایات، به حقیقت و واقعیت نزدیک گردد و در پس حقایق قیام امام حسین علیه السلام جزئیات و از قلم افتاده‌ها را موشکافی کند.

ب) همگونی و انسجام موضوعی که به مخاطب کمک قابل توجهی در پردازش حوادث می‌کند. برای مثال، دینوری در *الأخبار الطوال*، از نقل حوادث به گونه تقطیع شده پرهیز کرده و چون به موضوعی تاریخی می‌پردازد، آن را دنبال کرده و به پایان می‌رساند. بدین ترتیب اثر او بر پایه شیوه موضوعی نگارش شد، نه بر اساس سال شمار.

ج) در برخی از این نگارش‌ها گاهی از اسناد نیز یاد شده است، اما این اسناد به مؤلف مقتل، متصل نیستند، بلکه به صورت ناقص بیان شده‌اند. نگارش‌های ابن شهر آشوب، ابن نما و سبط بن جوزی از این دست به شمار می‌روند.^۲

شیخ مفید نیز گاه به منابع و اسناد، توجه داشته و در جای‌جای کتابش سندهایی ذکر شده است.^۳ نام ابومخنف^۴ و واقدی^۵ در آستانه برخی نقل‌ها آمده و نیز نام کلبی،^۶ مدائنی^۷ و ابوالفرج اصفهانی.^۸

۱. زرین کوب، *تاریخ در ترازو*، ص ۱۱۸.

۲. برای مطالعه نمونه‌ها ر.ک: ابن شهر آشوب، *مناقب آل ابی طالب*، ج ۴، ص ۸۴ و ۸۷؛ ابن نما، *نوب النصار فی شرح الثار*، ص ۲۵ و ۲۶؛ سبط بن جوزی، *تذکره الخواص*، ص ۲۲۵، ۲۲۹ و ...

۳. ر.ک: جعفریان، *منابع تاریخ اسلام*، ص ۱۸۷ - ۱۸۶.

۴. مفید، *الإرشاد*، ج ۱، ص ۱۷؛ ج ۲، ص ۷.

۵. همان، ج ۱، ص ۱۰۰؛ ج ۲، ص ۱۴۷.

۶. همان، ج ۲، ص ۳۲.

۷. همان، ص ۳۲ و ۲۶۳.

۸. همان، ص ۱۹۰ و ۱۹۳.

این نقل‌ها در غالب موارد ترکیبی است. گاه در نقل‌ها، نام کتاب خاصی قید شده است: «وَجَدْتُ فِي كِتَابِ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ الْعَبَّاسِ الرَّازِيِّ»^۱ یا به‌طور کلی نوع منابع یاد شده است: «أهل السير»^۲ «أهل الآثار»^۳ «رَوَاهُ تَقْلَهُ الْآثَارِ مِنَ الْعَامَّةِ وَالْخَاصَّةِ»^۴ «الْعُلَمَاءُ يَأْتِيهِمْ بِالْأَخْبَارِ وَتَقْلَهُ السَّيْرَةَ وَالْآثَارَ»^۵.

آسیب‌شناسی مقاتل ترکیبی

الف) تقطیع

از آفت‌های این گونه نگارش - چون گزارش‌های عمومی - تقطیع است. همان اندازه که متن یکدست و به دور از افتادگی و نقصان، در ارتباط‌گیری مخاطب با متن مؤثر است، تقطیع سبب از هم گسیختگی متن ترکیبی شده و با برهم زدن نظم متن، مخاطب را در جریان ساده اتفاق قرار نمی‌دهد. تقطیع در این نوع، نسبت به گونه پیشین آسیب بیشتری بر متن وارد می‌کند؛ زیرا پس از تقطیع، تجمیع هم انجام شده، در نتیجه نمی‌توان تقطیع و آسیب آن را به راحتی تشخیص داد. برای مثال، ابن‌سعد که رویکرد رجالی دارد، چون به نام امام حسین علیه السلام می‌رسد، نگاه‌گزینشی خود را در گزارش دخیل و تحمیل می‌نماید و جانب‌دارانه امام را فردی شورشی می‌خواند. او نامه‌های میان معاویه و امام را با ابزار تقطیع به‌گونه‌ای گزارش کرده که گویی امام منتظر فرصتی برای اعلان جنگ بوده است و معاویه به‌دنبال صلح، معاویه پای‌بند به عهد و پیمان و امام ناقض آن و اهل مکر، تا جایی که معاویه به‌عنوان خلیفه اسلامی کوشیده با امام مدارا کند و بردبار باشد.^۶ برای مثال، معاویه در بخشی از نامه خود آورده است: «فَاتَّقِ شِقَّ عَصَا هَذِهِ الْأُمَّةِ وَ أَنْ يَرْجِعُوا عَلَيَّ يَدِكُ إِلَى الْفِتْنَةِ»^۷ که امام پاسخ او را چنین داده‌اند:

... و قلت: انظر لنفسك و دينك و الأمة و اتق شق عصا الألفه و أن ترد الناس إلى الفتنة، فلا أعلم فتنة على الأمة أعظم من ولايتك عليها، و لا أعلم نظرا لنفسي و ديني أفضل من جهادك، فإن أفعله فهو قربه إلى ربِّي، و إن أترکه فذنب أستغفر الله منه في كثير من تقصيري، و أسأل الله توفيقی لأرشد أموري...^۸

۱. همان، ج ۱، ص ۳۷.

۲. همان، ص ۱۷، ۶۱ و ۹۰.

۳. همان، ج ۲، ص ۱۷۹.

۴. همان، ج ۱، ص ۱۹۳ و ۲۱۰.

۵. همان، ص ۲۳۴.

۶. ابن‌سعد، الطبقات الكبرى، ص ۴۴۳ - ۴۴۰.

۷. بلاذری، انساب الأشراف، ج ۵، ص ۱۲۰.

۸. همان، ص ۱۲۱ - ۱۲۰.

در خود، دین و امت تأمل کن و از پراکندگی امت و اینکه مردم را در فتنه دچار کنی بر حذر باش. من فتنه‌ای بالاتر و بدتر از حکومت و امارت تو بر مردم نمی‌بینم و برای خود و دینم پر فضیلت‌تر از جهاد با تو سراغ ندارم، اگر به ثمر نشانم که قریبی است به‌سوی خداوندگارم، و اگر واگذارم گناهی است که در عذر تقصیرم از او طلب بخشش می‌کنم، از خداوند توفیق می‌خواهم تا امورم به سامان رساند.

اما این سعد قسمت عمده نامه امام را از وسط تقطیع نموده و چنین آورده است:

من نه آهنگ پیکار با تو دارم و نه قصد ستیز، با آنکه در پیشگاه خداوند برای خود عذری در رها کردن پیکار با تو نمی‌بینم، و هیچ فتنه‌ای بزرگتر از حکومت تو بر مردم نمی‌شناسم.^۱

این در حالی است که معاویه ابتدا گفته بود که باعث فتنه‌ای در میان جامعه اسلامی نباش، اما امام با برشمردن اعمال او که منافی با قرآن و سنت پیامبر ﷺ بود، متذکر شد که حکومت معاویه فتنه‌ای بزرگ برای مردم است نه انتقادات و اعتراضات مردم. تقطیع اطلاعات و نامه‌هایی که از جنایات معاویه پرده برداشته، حکایت از آن دارد که ابن‌سعد هرچه که مقصودش را در قبال ابراز تمایل به بنی‌امیه اثبات می‌نموده، نقل کرده است.

ب) پیش‌فرض‌های نادرست

مقاتل ترکیبی، سده‌ها پس از واقعه عاشورا نگاشته شده‌اند. هرگونه پیش‌فرضی در این باره، پسینی محسوب می‌شود. پیش‌فرض‌ها محدودیت‌هایی دارند که معرفت حقیقی به عاشورا را در بوته تردید قرار می‌دهند. کمبود شواهد عینی برای بازسازی حقیقت و عینیت واقعه، بدین‌معناست که بررسی‌های تاریخی همواره محل مناقشه است. این پیش‌فرض‌ها گاه با رهیافت‌های مذهبی و مبتنی بر آن است. برای مثال، ابن‌شهر آشوب که فردی شیعی است با پیش‌فرض شجاعت و بی‌باکی امام و اصحابش، کشتگان سپاه دشمن را به نحو اغراق‌آمیزی گزارش کرده است.^۲ در سوی دیگر، پیش‌فرض‌هایی چون شورش بودن امام سبب شده که داستان درخواست امام از کاروانی که به شام می‌رفت برای همراهی با ایشان را بلاذری چنان نقل کند که گویی امام کاروان را تصرف کرده است.^۳

۱. ابن‌سعد، *الطبقات الکبری*، ص ۴۴۱ - ۴۴۰.

۲. ر.ک: ابن‌شهر آشوب، *مناقب آل ابی‌طالب*، ج ۴، ص ۱۰۴ - ۹۳.

۳. بلاذری، *أنساب الأشراف*، ج ۳، ص ۱۶۴.

ج) عدم وجود اسناد

عدم وجود اسناد یا وجود اسناد مرسل و ناقص در این روش می‌تواند در ناصحیح پنداشتن متن تأثیرگذار باشد، برخلاف گونه پیشین - که اسناد بخشی از روایات را تشکیل می‌دهد و محقق می‌تواند هم به نقد اسناد و هم به نقد متون بپردازد - در این گونه نگارش، محقق تنها می‌تواند نقد متنی را محور پژوهش خود قرار دهد. به عبارتی باید توجه داشت که گرچه شکل تألیف این نوع کتاب‌ها «تاریخی» است، اما به خاطر آن که مطالب فاقد سند است، راه برای بررسی سندی نقل‌ها بر محققان بسته است. دینوری در *الأخبار الطوال*؛ یعقوبی در *تاریخ یعقوبی*؛ ابن‌اعثم کوفی در *الفتوح*؛ مسعودی در *مروج الذهب*؛ شیخ مفید در *الإرشاد*؛ مسکویه رازی در *تجارب الأمم*؛ فتال نیشابوری در *روضه الواعظین*؛ ابن شهر آشوب در *مناقب آل‌ابی طالب علیهم السلام*؛ ابن جوزی در *المنتظم*؛ ابن‌اثیر در *الکامل*؛ ابن‌نما در *مثیر الأحران*؛ سبط بن جوزی در *تذکره الخواص*؛ ابن طاووس در *لهوف*؛ اربلی در *کشف الغمه*؛ ابن‌کثیر در *البدایه و النهایه* و ابن‌صباغ مالکی در *الفصول المهمه*، همگی تا حدودی تحت‌تأثیر این آسیب واقع شده‌اند. البته آسیب‌های «الف» و «ج» با مقایسه و تطبیق اخبار ترکیبی با اخبار مسند در منابع دیگر، تا حدی قابل جبران است.

۳. مقاتل تحلیلی (ناقدا نه)

تحریف در هر رخداد، امری طبیعی است و در خصوص عاشورا، می‌توان گفت هیچ روایت و خبری نیست که از نقد بی‌نیاز باشد. پس از واقعه عاشورا، سیل هجوم نقل اخبار و ذکر رخدادها و وقایع آن حادثه عظیم، چه در بنان و چه در بیان به گفتار و نوشتار تبدیل شد؛ زیرا حادثه عاشورا چنان عظیم بود که در گستره حکومت اسلامی کمتر کسی پیدا می‌شد که آن را شنیده و در مورد آن به بحث و گفتگو ننشسته باشد و به همین جهت، انبوهی از اخبار و روایات وارد کتب تاریخی و حدیثی شد که پالایش و آرایش تدریجی آنها، آسان نبوده و نیست.

بی‌تردید از همان آغاز انگیزه‌های سیاسی - اجتماعی فراوانی برای تحریف این واقعه وجود داشته که از مهم‌ترین آنها، حاکمیت استبدادی مخوف حزب اموی بر سرزمین‌های اسلامی آن هم به مدتی نسبتاً طولانی بوده است. به همین جهت، درباره حادثه عاشورا، نمی‌توان با قاطعیت سخن گفت. با اینکه کتاب‌های فراوانی نگاشته شده،^۱ گویی عاشورا و نهضت امام حسین علیه السلام لابه‌لای این نگارش‌ها درهم تنیده شده است. از ابتدای حادثه عاشورا تاکنون، دو جبهه ناهمگون آن‌چنان با هم در تضاد

۱. برای مطالعه بیشتر، ر.ک: صحتی سردودی، *عاشورا پژوهی*، ص ۱۲۴ - ۲۳.

قرار گرفته‌اند که جدا شدن آنها را می‌توان ناممکن دانست، جبهه‌ای تحریف‌ساز و جبهه‌ای تحریف‌ستیز که هرکدام هم برای عملکرد خود دلایلی دارند.^۱

ممکن است برخی به دلیل تقید خود نسبت به آموزه‌های دینی، حتی از تحقیق در مسلمات عاشورایی بازمانند و عرصه را برای تحقیق در روایات عاشورایی خالی کنند، ولی یکی از راه‌های یافتن تحریفات و خطاهای موجود، تطبیق گزارش‌ها با مکتوبات اولیه عاشورا و تطبیق این منابع با یکدیگر و ارزیابی تطبیقی و تحلیلی مدارک علمی است.^۲

پیشینه به‌کارگیری چنین نوع نگارشی را می‌توان از بدو تألیف مقاتل و یا حتی پیش از آن دانست. نمونه آن را می‌توان در مورد منتشر شدن اخباری مبنی بر ذلت‌پذیری امام حسین علیه السلام با پیشنهاد مفاد سه‌گانه^۳ نظاره کرد. برخی از علمای اهل سنت، گزارش‌های قصد بیعت امام با یزید را به شدت رد می‌کنند. نویری می‌نویسد:

عقبه بن سمعان غلام رباب - همسر امام علیه السلام - که از مدینه تا کربلا همراه امام بوده و از او در هیچ حالتی جدا نشده، با سوگند جلاله می‌گوید: هرگز چنین سخنی را سیدالشهدا بر زبان نیاورد و فقط فرمود: بگذارید به همان‌جا که آمده‌ام بازگردم.^۴

با اینکه بسیاری از دانشمندان شیعه به نقد برخی اخبار و روایات عاشورایی پرداختند، اما در دوره‌های پیشین، نگارشی مستقل با رویکرد نقدمحور تألیف نشده است. شیخ عباس قمی را شاید بتوان از آن دست کسانی دانست که در میان آثار شبه فراخور بحث، به نقد برخی از روایات مقاتل در *منتهی الآمال* پرداخته است. از جمله: بی‌مأخذ بودن ریش سفیدی عمرسعد در صحرای کربلا؛^۵ وجود شخصی به نام هلال بن نافع و تصحیف از نافع بن هلال بن نافع؛^۶ عدم حضور والده حضرت علی‌اکبر علیه السلام در کربلا؛^۷

۱. ر.ک: همان، ص ۱۱۵ - ۶۰.

۲. برای مطالعه بیشتر، ر.ک: نوری، *لؤلؤ و مرجان*، ص ۲۲۳.

۳. ابن‌سعد، *الطبقات الکبری*، ص ۴۶۶ - ۴۶۵؛ همو، *ترجمه الإمام الحسین علیه السلام*، ص ۶۹؛ طبری، *تاریخ الطبری*، ج ۵، ص ۳۸۹، ۳۹۲، ۴۱۳ و ۴۲۷؛ بلاذری، *أنساب الأشراف*، ج ۳، ص ۱۷۳ و ۱۸۲؛ دینوری، *الإمامة و السیاسة*، ج ۲، ص ۱۱؛ اصفهانی، *مقاتل الطالبین*، ص ۱۱۴؛ ابن‌اثیر، *الکامل*، ج ۴، ص ۵۴؛ ابن‌عساکر، *تاریخ مدینه دمشق*، ج ۱۴، ص ۲۲۰؛ ابن‌سعد، *ترجمه الإمام الحسین علیه السلام*، ص ۳۲۲؛ عسقلانی، *تقریب التهذیب*، ج ۲، ص ۷۱.

۴. نویری، *نهایة الأرب*، ج ۲۰، ص ۴۲۹.

۵. قمی، *منتهی الآمال*، ج ۲، ص ۶۹۱ [پاورقی].

۶. همان، ص ۸۴۷.

۷. همان، ص ۸۶۸؛ همو، *نفس المهموم*، ص ۲۸۶.

عدم صحّت قصه دامادی قاسم؛^۱ عدم نقل ارباب مقاتل از حال اهل‌بیت امام حسین علیه السلام در شام عاشورا؛^۲ عدم الحاق سر به بدن مطهر امام حسین علیه السلام با استناد به سخن علامه مجلسی در *بحارالانوار* و این سخن یزید به امام سجاد علیه السلام که هرگز سر پدرت را نخواهی دید؛^۳ بعیدبودن بازگشت اهل‌بیت به کربلا در بیستم صفر چنان‌که ابن‌طاووس بدان صحنه گذاشته است؛^۴ ساختگی بودن حدیث معروف کساء و انتساب به منتخب طریحی در نقل ماجرای ورود جابر به کربلا.^۵

امروزه کتب تحقیقی بسیاری به شیوه نقد و تحلیل منتشر شده است. محمدباقر محمودی با همین نگاه و با به‌کارگیری همین شیوه، کتاب *عبرات المصطفین فی مقتل الحسین* را تألیف کرد.^۶

همچنین می‌توان به *مقتل جامع سیدالشهداء* تألیف جمعی از نویسندگان زیر نظر مهدی پیشوایی و *یا شهادت‌نامه امام حسین علیه السلام* بر پایه منابع معتبر تألیف جمعی از محققان زیر نظر محمدی ری‌شهری اشاره کرد.

آسیب‌های مقاتل تحلیلی

نقد نوعی نگاشته آسیب‌شناسانه است و قصد شناسایی سره از ناسره دارد. از همین رو هدف آن بایستی حذف آسیب‌های مقاتلی باشد که در پیش گفته شد. با این حال، چنین نیست که خود بیگانه از آفت باشد. آفاتی که بیشتر از خواسته‌ها و پیش‌فرض‌ها پدیدار شده‌اند.

الف) دخالت تمایلات فرقه‌ای: تحریف عاشورا در هر نوع مقتلی ممکن است ولی در نوع تحلیلی به جهت همراهی تحلیل‌ها و مبتنی بودن آن بر تمایلات مذهبی، اثرگذارتر است. درحالی‌که در عراق، نقل ابومخنف رواج داشته و این نقل، روایات موافق و مخالف را با هم دربردارد، به نظر می‌رسد بیشتر مخالفان فکری قیام عاشورا، به خصوص تاریخ‌نگاران شام و مغرب، از ابن‌عساکر به بعد، تحت تأثیر گزارش‌های ابن‌سعد که در نکوهش قیام عاشورا است، قرار گرفته‌اند. افرادی چون ابن‌عربی و ابن‌خلدون را می‌توان در شمار همین افراد تلقی کرد.^۷

۱. قمی، *منتهی الآمال*، ص ۸۷۵.

۲. همان، ص ۹۲۲.

۳. همان، ص ۱۰۰۸۹.

۴. همان، ص ۱۰۱۴.

۵. همان، ص ۱۰۱۸.

۶. ایشان مطالب منابع کهن مانند *تاریخ طبری*، *الطبقات الکبری* ابن‌سعد، *الأخبار الطوال* دینوری، *أنساب الأشراف* بلاذری و *مقتل ابومخنف* موجود در تاریخ طبری را در کنار هم آورده است.

۷. ر.ک: ابن‌عربی، *العواصم من القواصم*، ص ۲۴۷ - ۲۳۳؛ ابن‌خلدون، *تاریخ ابن‌خلدون*، ج ۱، ص ۲۷۲ - ۲۶۹.

ب) دخالت پیش فرض‌ها: هیچ نقدی در حوزه مذهب، از پیش فرض‌ها تهی نیست؛ ولی گاه آنچنان در سنجش گزارش‌های تاریخی، این باورها سهم داده شده که واقعیت عاشورا را از اساس تحریف کرده است. نمونه بارز آن تحلیل‌های ابن عربی، ابن تیمیه و ابن کثیر است که با اهمیت دادن به روایاتی بی‌اساس و جعلی یا ضعیف، امام را گاه شورشی و یزید را مبرا از قتل و حتی گاه امام را خواهان بیعت با یزید معرفی کرده‌اند.^۱

انواع مقاتل	گونه‌شناسی	آسیب‌شناسی
گزارشی (نقلی)	رویکرد صرفاً تاریخی نقل همراه سند ساختاری گزارشی و عاری از انسجام موضوعی قابلیت بازیابی نقل‌های معصوم	آسیب‌های متن‌محور آسیب‌های سند‌محور
ترکیبی (تطبیقی)	قابلیت احیای تمام جنبه‌های قیام عاشورا انسجام موضوعی	تقطیع پیش فرض‌های نادرست عدم وجود اسناد یا وجود اسناد مرسل
تحلیلی (ناقدانه)	بررسی و نقد گزارش‌ها زدودن تحریفات	دخالت تمایلات فرقه‌ای دخالت پیش فرض‌ها

ه) بازشناسی سبک مقاتل و آسیب‌های آن

سبک‌های مقاتل را می‌توان در سه دسته واعظانه، فضیلت‌مدارانه و ادیبانه طبقه‌بندی کرد. در هر کدام از این سبک‌ها نیز رهیافت‌هایی چون سیاست‌گرایانه، دنیاگرایانه، تقدیرگرایانه، عرفان‌گرایانه، فدیة‌گرایانه، آیین‌گرایانه، عاطفه‌گرایانه، حماسه‌گرایانه و ... محتمل است که البته رهیافت غالب هر مقتل، تعیین‌کننده است و گرنه ممکن است مقتلی، رهیافت‌های مختلفی را به کارگیرد. بحث از رهیافت‌ها بسیار مفصل است و تحقیق مستقلی را می‌طلبد.

۱. سبک واعظانه (مجلس‌نگاری)

هم‌زمان با برگزاری وسیع عزاداری‌ها در عهد صفویه، مقاتلی درخور وعظ و منبر برای مخاطبان عام مورد نیاز بود که سبکی جدید را در مقتل‌نویسی پدید آورد. در این سبک، مؤلف اتفاقات مرتبط با عاشورا را از ابتدای شکل‌گیری قیام تا بازگشت اهل‌بیت علیهم‌السلام به مدینه و یا حتی تا قیام مختار، تحت عناوین و موضوعات مشخص، در مجالس مخصوص، ارائه می‌کند و به همان صورت نیز می‌نویسد.

۱. ر.ک: ابن تیمیه، *منهاج السنة النبویه*، ج ۴، ص ۵۸۹ - ۵۱۷؛ ابن کثیر، *البدایة و النهایة*، ج ۸، ص ۱۶۰.

ویژگی عمومی نگارش این سبک، عاری بودن از اصطلاحات تاریخی و فرازبان است. نمونه بارزی از این سبک را طریحی در «المنتخب» به کار گرفت. وی مجموعه‌ای از احادیث و مرثیاتی درباره امام حسین علیه السلام و برخی دیگر از امامان را گرد آورده و به قصد گریاندن مؤمنان و تشویق به سوگواری، آنها را به صورت جنگ سامان داد. المنتخب دو جزء دارد و هر جزء، ده مجلس و هر مجلس، شامل چند باب است. در هر مجلس و هر باب، مباحثی متعدد و در برخی اوقات بی‌ارتباط به هم مطرح شده است. طریحی در ابتدای هر مجلس و باب نخست آن، به تحریک احساسات و عواطف می‌پردازد، سپس با اشعاری عاطفی، حس حماسی مخاطب را برمی‌انگیزاند. روایت بدون سند خود را در مرحله بعد نقل می‌کند و سپس قصائد شعرای مختلف را می‌آورد.^۱ المنتخب تاریخ‌نگاری علمی زندگی یا قیام امام حسین علیه السلام نیست و اکثر مطالب آن بدون ذکر مأخذ بوده و احادیث آن نیز به صورت مرسل است. این کتاب را *المجالس الطریحیه* و یا *المجالس الفخریه* نیز نامیده‌اند.^۲ در المنتخب مطالب تاریخی مفصلی از شهادت حضرت زهرا علیها السلام تا اندکی پس از شهادت امام حسین علیه السلام دیده می‌شود. به نظر می‌رسد که قصد مؤلف از بیان این مطالب، تاریخ‌گویی و تحلیل سختی‌هایی است که عموم شیعیان به طور عام و ائمه علیهم السلام به طور خاص متحمل شده‌اند تا نوعی زمینه‌چینی برای ورود به بحث عاشورا و اشک‌ریزی باشد. نمونه بارز این مسئله را در همان مجلس ابتدایی می‌توان به نظاره نشست.^۳

آثار دیگر سبک واعظانه عبارتند از: *محرق القلوب* در بیست مجلس؛ *أسرار الشهادة* فاضل دربندی در دوازده مقدمه، چهل و چهار مجلس و یک خاتمه (که خاتمه نیز دارای سه مجلس است)؛ *معالی السبطين* حائری دربندی در سیزده بخش (هر کدام حاوی مجالس متعدد)، *تسلية المجالس حسینی موسوی* در ده مجلس، و ... که صاحب الذریعه مجموعه‌ای از این کتب را با عناوین مختلف فهرست کرده است.^۴

آسیب‌های سبک واعظانه

الف) دور شدن از نوع فنی

به جهت کارکرد عمومی، مقتل واعظانه، تاریخ را از حالت فنی خود دور می‌کند و به سمت قصه‌پردازی سوق می‌دهد تا جایی که اطلاق کَشکول بدان‌ها مناسب است. نخستین مشخصه این دوری، آن است که سند در این گونه مقاتل، تنها به منبع تألیفی، اختصاص پیدا می‌کند و حلقه‌های

۱. ر.ک: طریحی، المنتخب، ص ۴۹۰ - ۵.

۲. طهرانی، الذریعه، ج ۱۹، ص ۳۶۰ و ۳۶۳؛ همان، ج ۲۲، ص ۴۲۰.

۳. ر.ک: طریحی، المنتخب، ص ۲۵ - ۵.

۴. طهرانی، الذریعه، ج ۱۹، ص ۳۵۶ به بعد.

واسط در اسناد حذف می‌شود. در این تبدیل، مطالب بی‌اساس، به مقتل راه می‌یابد^۱ که زنده به گور شدن حضرت عبدالعظیم حسنی در شهر ری^۲ از آن جمله است.

ب) عدم تحقیق و تنقیح

عدم تحقیق و تنقیح در آثار تألیفی از آفات این سبک است. بنابر آداب مجالس عزاداری، خطیب خطابه می‌کند و مستمعان خطابه می‌شنوند و بدیهی است که تحقیق و بررسی در این موارد کمتر صورت می‌پذیرد و گاه سره و ناسره به هم می‌آمیزد. به همین جهت، علما/المتنخب را مشتمل بر مطالب موهون و غیرموهون دانسته^۳ و به وجود مسامحات فراوان در آن، اذعان کرده و روایات مختص آن را معتبر ندانسته‌اند.^۴

ج) زبان حال

در این مجالس، به حدیث‌خوانی، املانویسی و املاخوانی - برخلاف کتاب‌هایی که به/مالی شهره یافتند - پرداخته نمی‌شود، بلکه صرفاً از سوی واعظ، اطلاع‌دهی تاریخی و روایی صورت می‌پذیرد و چنین نیست که محتوای این مجالس تحریر شود. به همین جهت، گاه روایات عاشورایی از حوزه حدیث بودن خارج و با نقل به معنای فراوان - که آن را به زبان حال بدل کرده است - دچار گوناگونی شده، تاجایی که اعتبار و وثوق به صدور را مخدوش می‌کند. زبان حال با نقل معنا تفاوت دارد. در نقل معنا که در حدیث رخ می‌دهد، احتمال رویداد قریب به یقین است، گرچه عین مطلب یا لفظ به لفظ عبارت معصوم نیست؛ اما در زبان حال که بیشتر در نقل تاریخ بروز دارد، احتمال اینکه اتفاق موجود در روایت رخ نداده باشد، قریب به یقین است. برای مثال، خبر مسلم جصاص در مورد سر به محمل کوبیدن حضرت زینب^۵ و خنده حضرت عباس^۶ هنگام ورود رأس مبارک به مجلس،^۷ تنها گویای حال است نه آنکه گزارشی از واقعیت تاریخی باشد.

یکی از علل پدید آمدن زبان حال، تکیه بیش از حد بر حافظه است که رفته‌رفته زبان نقل مورخان را به زبان حال تبدیل کرده است. ابن‌اعثم در روایات عاشورایی زبان حال را پایه‌گذار شد که پس از

۱. حسینی، معرفی و نقد منابع عاشورا، ص ۲۹۰ - ۲۸۸.

۲. طریحی، المتنخب، ص ۹.

۳. نوری، لؤلؤ و مرجان، ص ۲۹۰.

۴. ارباب قمی، اربعین حسینه، ص ۹ و ۶۴ و ۲۴۳.

۵. قمی، منتهی الآمال، ج ۲، ص ۹۳۸.

۶. همان، ص ۹۷۷ [پاورقی].

وی به مقاتل دیگر هم سرایت کرد. نتیجه بی‌قیدوبند این نوع زبان، از قرن هفتم آغاز و از قرن دهم به اوج می‌رسد^۱ و سبب ورود روایاتی همچون موارد فوق، در کتاب‌های روایی و تاریخی شده که حذف [به معنای نقل نکردن] چنین روایاتی از این کتاب‌ها بی‌تردید با انتقادات بسیاری روبه‌رو خواهد شد؛ چراکه این گونه اخبار، جزئی از اعتقادات مردم و حتی جامعه علمی شده است.

د) آسیب فرهنگی

مقاتل واعظانه به جهت تماس گسترده و نسبتاً مستقیم با مردم، ابزار فرهنگ‌ساز محسوب می‌شوند؛ بدین جهت آسیب‌های این مقاتل بر فرهنگ، عمومی و اثرگذارتر خواهند بود. به جهت علاقه مردم به عاشورا و ظرفیت عظیم مردمی آن برای فرهنگ‌سازی، هرگونه اندیشه‌ای که در این نوع مقتل منتقل شود، بر فرهنگ مذهبی تأثیرگذار خواهد بود. مانند: علاقه امام حسن علیه السلام به رنگ سبز و امام حسین علیه السلام به رنگ سرخ که نخستین بار کاشفی آن را نقل کرد^۲ و اکنون در مراسم آیینی چنین نمادهایی دیده می‌شود؛ و یا عروسی قاسم با دختر امام حسین علیه السلام^۳ در کشاکش نبرد که موجب تعزیه‌گردانی خاص این ماجرا در فرهنگ عزاداری ایرانیان شده است.

۲. سبک فضیلت‌مدارانه (منقبت‌نگاری)

اعتقاد به وجود کرامت از اولیا، مخصوص تشیع نیست.^۴ با این حال، از دیرباز درباره امکان جاری شدن معجزات و کرامات از ائمه شیعه علیهم السلام، میان متکلمان شیعه اختلاف نظر بوده که بخشی از آن به دلیل تعریفی است که از معجزه و تفاوت آن با کرامت بیان می‌شده است.^۵ در تشیع امامی، وجود کرامات برای امامان، باور رایج بوده و درباره آن کتاب‌ها نوشته شده است.^۶ بنابراین اصل این مسئله - کم‌وبیش - مورد اتفاق نظر عالمان شیعی بوده، گرچه روایاتی که مصادیق را تعیین می‌کرد، بیشتر از سوی طیف‌های اخباری نقل می‌شد و در این باره کتاب‌های غیرمعتبری نیز تدوین شده است. با این وصف از

۱. ر.ک: رفعت و رحمان ستایش، *روایات عاشورایی الفتوح ابن اعثم کوفی در میزان نقد و بررسی*، ص ۱۱۶ - ۷۹.

۲. کاشفی، *روضه الشهداء*، ص ۲۴۷ - ۲۴۶.

۳. همان، ص ۳۲۲ - ۳۲۱؛ طریحی، *المنتخب*، ص ۳۷۴ - ۳۷۲.

۴. مغنیه، *نظرات فی التصوف و الکرامات*، ص ۸۶.

۵. ر.ک: حلّی، *کشف المراد*، ص ۴۷۸ - ۴۷۶.

۶. برای مثال، ر.ک: المناقب یا همان *الکتاب العتیق علوی، الثاقب فی المناقب ابن حمزه طوسی، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام* ابن شهر آشوب، *طرف من أنباء المناقب ابن طاووس* و ... که البته در قرن ۵ به بعد به وفور یافت می‌شود. (ر.ک: اصغرپور، «درآمدی بر مناقب‌نگاری»، *علوم حدیث*، ص ۲۷۶).

سده ششم قمری به بعد و با عمومی شدن جریان وعظ از یک سو و شیوع منقبت‌خوانی‌ها - حتی منقبت‌خوانی‌های صوفیه برای اولیای خود و داستان‌سرایی درباره کرامات مشایخ‌شان - از دیگر سو^۱ و همچنین به دلیل شکل‌گیری متقابل جریانات منقبت‌خوانی و فضائل‌خوانی میان سنیان و شیعیان به‌عنوان فرهنگی عمومی و عامه‌پسند، شیعیان به نقل معجزات و تدوین آثاری در این زمینه، اهتمام کردند^۲ که از مهم‌ترین نمونه‌های آن می‌توان به *الخرائج و الجرائح* قطب راوندی، *الثاقب فی المناقب* ابن حمزه طوسی، *اعلام الوری طبرسی*، *مناقب ابن شهر آشوب* و کتاب‌های متعددی از عمادالدین طبری اشاره کرد. بعدها در عصر صفوی، سیدهاشم بحرانی، به این نوع ادبیات بیشترین اهتمام را نشان داد و آثاری پربرگ تدوین کرد. این سبک، معمولاً متن‌محور است و در آن، اسناد ذکر نشده است.

شاید یکی از آثار عمومی و چشم‌گیر در این حوزه، *مناقب ابن شهر آشوب* باشد که جز پیامبر ﷺ و امیرمؤمنان ﷺ، بیشترین مطالب خود را به امام حسین ﷺ و به خصوص حادثه کربلا اختصاص داده است. پاره‌ای از گزارش‌های موجود در این کتاب، مفصل‌تر از کتاب‌های دیگر است، داستان «فطرس ملک» در جریان تولد امام حسین ﷺ از این جمله است.^۳ ویژگی مهم این کتاب، گستردگی مناقب و فضایل معصومان است. ابن شهر آشوب روایاتی از ولادت تا شهادت ائمه ﷺ و به‌ویژه امام حسین ﷺ را در کتاب گردآورده، مثلاً قیام امام را نسبتاً مفصل و با نگاهی فضیلت‌گویانه و از منابع متعدد شیعی و سنی نقل می‌کند. بنا به گفته محدث نوری، وی هزار کتاب مناقب در اختیار داشته است.^۴ با این حال، ابن شهر آشوب تذکر داده که به جهت پرهیز از زیاده‌گویی و نیز شهرت بسیاری از اخبار، اسناد را حذف کرده است.^۵

آسیب‌های سبک فضیلت‌مدارانه

الف) منابع و اسناد نامعتبر

همان‌گونه که مقاتل واعظانه در جهت مصیبت‌خوانی و گریاندن مردم، مطالب بی‌اساس را نقل کردند، پای‌بندی به نقل فضایل نیز موجب شد تا مناقب بی‌سند و مدرک معتبر و حتی اخذ شده از توده‌های

۱. ر.ک: مشهدی نوش‌آبادی، *نقش صوفیه در گسترش آیین‌های نقالی و روضه‌خوانی*، ص ۲۱۴ - ۱۸۵.

۲. اصغرپور، «درآمدی بر مناقب‌نگاری»، *علوم حدیث*، ص ۲۷۵ - ۲۷۰.

۳. ابن شهر آشوب، *مناقب آل ابی طالب* ﷺ، ج ۴، ص ۷۵ - ۷۴؛ جهت نقد روایت، ر.ک: قاسم احمد، «نقد دلالتی روایت‌های فطرس ملک»، *تحقیقات علوم قرآن و حدیث*، ص ۱۲۴ - ۱۰۴.

۴. نوری، *لؤلؤ و مرجان*، ص ۲۹۱.

۵. ابن شهر آشوب، *مناقب آل ابی طالب* ﷺ، ج ۱، ص ۱۳.

مردم، به صرف فضیلت، وارد مقاتل شود، بدین امید که مناقب اهل بیت علیهم السلام به فراموشی سپرده نشود. برای مثال، ابن شهر آشوب با اینکه به منابعی چون طبری، بلاذری و ابن اعثم^۱ دسترسی داشته ولی در برخی از مواردی که نقل کرده، به هیچ منبعی ارجاع نمی‌دهد. به نظر می‌رسد وی این موارد را از وعاظ و قصه‌گویان نقل کرده است، همان طور که بنابر سیره علما، به احادیث ضعیف در باب فضائل، مصائب، مستحبات و مکروهات اعتنا کرده است. هرچند بیشتر این مطالب از دیدگاه محققان، موهون نیست؛ ولی در زمره اخبار ضعیف محسوب می‌شود^۲ اگرچه اعتماد بر مطالبی که فقط در این کتاب آمده و در منبعی دیگر وجود ندارد، بسیار دشوار است.^۳

ب) روایات فضیلت یاب بی‌اساس

برخی روایات این مقاتل، همچون برخی کتب حدیثی فضیلت یاب، گاه سخنان باطل و بی‌اساسی را به‌عنوان روایت و فضیلت گرد آورده‌اند^۴ که دارای اشکالات متنی بسیار هستند. برای نمونه در روضه الواعظین از استشمام بوی سیب از حرم امام حسین علیه السلام توسط شیعیان سخن به میان آمده است^۵ که بررسی اشکالات متنی آن، پژوهشی مستقل می‌طلبد.

ج) اغراق و مبالغه

مناقب ابن شهر آشوب نمونه شاخصی در این آسیب است. روایات اغراق آمیزی در این کتاب بیان شده که به ذکر چند نمونه بسنده می‌کنیم: حمایت اسب امام از ایشان با قتل چهل نفر،^۶ اغراق در کشتن دشمنان توسط سپاه امام و یا خود امام، به گونه‌ای که شمار کسانی که به‌دست شخص امام حسین علیه السلام کشته شدند را ۱۹۵۰ نفر ذکر می‌کند که این تعداد غیرکسانی هستند که به دست امام مجروح شدند و این اغراق آمیزترین عددی است که از ابتدای مقتل نویسی تا اواخر قرن هفتم به چشم می‌خورد. ابن شهر آشوب در موضعی دیگر آورده که عمر بن سعد پس از نماز بر کشته‌شدگان سپاهش، همه را که ۸۸ نفر بودند در همان جا به خاک سپرد.^۷

۱. برای نمونه ر.ک: ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، ج ۴، ص ۱۱۴.

۲. نوری، لؤلؤ و مرجان، ص ۲۹۰.

۳. همان، ص ۲۰۱.

۴. حسینی، معرفی و نقد منابع عاشورا، ص ۱۹۹.

۵. فتال نیشابوری، روضه الواعظین، ج ۱، ص ۱۶۰ - ۱۵۹.

۶. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، ج ۴، ص ۵۸.

۷. همان، ص ۱۱۲.

د) تطبیق آیات قرآن با حادثه کربلا

بازخورد فضیلت‌یابی از آیات قرآن تأثیر دوچندانی بر مخاطبان خواهد گذاشت، گرچه اصل این مطلب مورد انکار نیست، اما در این زمینه می‌تواند آسیبی نیز تلقی گردد. در کتاب *فرائد السمطين* که با رویکرد فضیلت‌نگاری حسنین علیه السلام نگاشته شده است، آیه «کهیعص» به امام حسین علیه السلام و قاتلانش تفسیر شده است،^۱ در حالی که چنین مضمونی نه‌تنها تفسیر، بلکه تأویل هم نیست؛ چون تأویل لوازم و وسایطی را می‌طلبد^۲ که روایت مزبور دارا نیست. افزون بر نادرستی تطبیق، در انتساب این روایت، به امام زمان علیه السلام نیز اشکال شده است.^۳

۳. سبک ادیبانه (مرثیه‌نگاری)

حزن و اندوه از دست دادن عزیزان، همیشه در قالب ادب و هنر تجلی کرده است. روایت واقعه عاشورا در سبک ادبی، از همان زمان شهادت آغاز شد و در منابع متعدد مرتبط، می‌توان قطعاتی ادبی یافت.^۴ حتی برخی کتاب‌ها مانند *ناسخ التواریخ* بخش‌های پایانی گزارش خود از امام حسین علیه السلام را به‌طور خاص، به مرثیه‌هایی که در مورد امام سروده شده، اختصاص داده‌اند.^۵ در این میان، برخی مقاتل، چه منظوم و چه منثور، بر سبک ادیبانه و مرثیه‌نگاری بنیان شده‌اند که بیشتر در قرن‌های دهم به بعد یافت می‌شود. مقاتلی مانند *روضه الشهداء* و *منتخب طریحی* از این دسته هستند.

در میان مقاتل قدیمی، کتابی که در این عرصه بیشتر جلوه‌گری می‌کند، *درالسمط ابن‌آبار* است. این اثر، مرثیه‌ای منثور برای امام حسین علیه السلام و خاندانش است، چنان‌که اثر دیگر او *معادن اللجین فی مراثی الحسین* علیه السلام، مرثیه‌ای منظوم در این باره است. نثر این کتاب، پیچیده، مسجع و دارای آرایه‌های ادبی، و انشای آن به گونه مقامات بوده و متن آن، مختصر است. این اثر در ۱۲۶ صفحه و با

۱. حموی، *فرائد السمطين*، ج ۲، ص ۱۷۱.

۲. ر.ک: شاکر، *روش‌های تأویل قرآن*، ص ۶۱.

۳. ر.ک: ربیع نتاج و حسینی امین، «فهم وتحلیل روایات تأویل آیه «کهیعص» به واقعه کربلا»، *مطالعات فهم حدیث*، ص ۸۴ - ۷۸.

۴. برای نمونه ر.ک: اصفهانی، *مقاتل الطالبيين*، ص ۹۰ و ۱۲۱؛ طبری، *تاریخ الطبری*، ج ۵، ص ۴۶۷؛ طبرانی، *المعجم الكبير*، ج ۳، ص ۱۲۴؛ ابن‌کثیر، *البدایة و النهایة*، ج ۸، ص ۱۹۸؛ صالحی شامی، *سبل الهدی*، ج ۱۱، ص ۷۶؛ ابن‌اثیر، *الکامل*، ج ۴، ص ۹۰؛ قاضی نعمان، *شرح الأخبار*، ج ۳، ص ۱۶۸؛ ابن‌قولویه، *کامل الزیارات*، ص ۹۷؛ معتمدالدوله، *مقام زخار*، ص ۶۰۵ - ۵۶۰.

۵. ر.ک: سپهر، *ناسخ التواریخ*، ج ۴، ص ۳۷۹ - ۳۲۴.

پاورقی‌های مصحح و محقق آن چاپ شده است که متن اصلی مرتبط، حدود ۱۵ صفحه است. بخش‌بندی این متن، عنوان ندارد و تنها هر قسمت با عبارت «فصل» از قسمت دیگر جدا شده است. نویسنده در بحث از قیام عاشورا، به نامه‌نگاری کوفیان، روانه شدن مسلم به کوفه، خروج امام از مکه، ملاقات با حر و در نهایت شهادت حضرت اشاره کرده است.^۱ ستایش‌های او از امام حسین علیه السلام و در مقابل، نکوهش‌هایش از یزید، برخی را به این گمان واداشته است که او شیعه بوده است. در اوایل قرن یازدهم، ابوجمععه سعیدبن مسعود ماغوسی (م ۱۰۱۶ ق)، با بهره گرفتن از پانصد کتاب، شرحی را برای این اثر با عنوان *نظم الفرائد الغرر فی سلك فصول الدرر* نوشت.^۲ به نظر می‌رسد که ابن‌آبار با واقع‌بینی و خردورزی از قیام عاشورا سخن گفته است، اما از آنجاکه در نویسندگی سبک خاصی داشته و با قلمی فاخر و ادیبانه *درر السمط* را به رشته تحریر کشیده است، چنان می‌نماید که در سراسر کتاب، گاه، معانی و مفاهیم در پشت عبارت‌های ادبی و جمله‌های موزون و مسجع پنهان شده‌اند که با اندکی دقت و بردباری می‌توان از تحلیل ابن‌آبار در مورد عاشورا و عقاید وی در خصوص بنی‌امیه و بنی‌هاشم، دولت و خلافت در اسلام و ... سود برد.

در این میان، برخی مقاتل - مانند دربندی - را به رغم سبک اصلی‌شان، به جهت ادبیات به‌کار گرفته شده توسط نگارنده، می‌توان در زمره مقاتل ادیبانه نیز جای داد. اخبار دربندی همان اخبار کتب پیش از آن است، اما ادبیات بلیغانه و برگردانده شده نگارنده که تلفیقی از تاریخ، حدیث، ادبیات و به‌ویژه شعر است، در موضعی از کتاب درخور توجه است.^۳ دربندی در موضعی چنین می‌نویسد:

طوبی ثم طوبی، هنیئا ثم هنیئا... لمن کانت له تلک الملکه النورانیة والحاله الإیقانیة... یا ...
 فیکون ما فی الأخبار المتسامعه المتضافره والزیارات المتکاثره المتوافره من أنه قتل عطشانا
 ظمئانا... بل أن هذا الحدیث یفید أن شده التهابات عطشه حین الشهاده بل قبل الشهاده
 بساعه بل أزید إلی حین الشهاده کانت فی غایه التهایه و نهایه الغایه فخذ الکلام بمجامعه.^۴
 خوش باد، خوش باد، گوارا باد، گوارا باد ... بر کسی که دارای ملکه نورانی و حالت
 یقین است ... در اخبار فراوان و نیز زیارات بی‌شمار آمده است که او تشنه به قتل

۱. ابن‌آبار، *درر السمط*، ص ۱۰۰ - ۹۹.

۲. رنجبر، «سیری در مقتل نویسی و تاریخ‌نگاری عاشورا از آغاز تا عصر حاضر (۲)»، *تاریخ در آینه پژوهش*، ص ۸۱.

۳. برای نمونه، رک: *دربندی، أسرار الشهداء*، ج ۱، ص ۲۸۹؛ ج ۲، ص ۷۰۳ - ۷۰۵؛ ج ۳، ص ۱۳۸، ۱۳۳ - ۱۳۵، ۶۱۵، ۶۲۱

و ...

۴. همان، ج ۲، ص ۷۱۹.

۵. همان، ص ۷۴۸.

رسید ... و این که از این روایات چنین مستفاد است که التهابات عطش وی هنگام شهادت بلکه اندکی پیش از شهادتش بی حد و در اوج بود ...

آسیب‌های سبک ادیبانه

عمده آسیب‌های سبک ادیبانه، به جهت افراط در به‌کارگیری عناصر ادبی احساس، خیال و داستان‌پردازی پدید آمده که سبب غلو و گاه خلق داستان شده است. ریشه این آسیب به نوع منابعی بازمی‌گردد که مقاتل ادبی - از آن بهره برده‌اند. مقاتل ادبی - که محصول عصر متأخر است - به جهت نزدیکی بیشتر با ادبیات مقتل‌نویسان متأخر - که رهیافت عاطفی دارند - بیشتر به مقاتل این دوره روی آورده‌اند تا مقاتل متقدم یا تحقیقی. برای نمونه، افرادی در *روضه الشهداء* نام برده شده‌اند که درباره ایشان در مقاتل متقدم یا معتبر اطلاع چندانی در دست نیست^۱ و محققان به جهت تحریفاتی که در این مقتل رخ داده، آن را بی‌اعتبار دانسته‌اند.^۲ این درحالی است که این مقتل آنچنان تأثیری در برداشت عمومی مردم از تاریخ عاشورا داشته که حتی مجالس روضه، نام خود را وامدار این مقتل هستند.^۳

الف) غلبه احساس و عاطفه

دربندی برای برانگیختن احساسات و عواطف، با ادبیاتی ادیبانه، نقل می‌کند که به جهت ضعف امام سجاد علیه السلام پاهای ایشان را به زیر شتر بسته بودند که این روایت در هیچ منبعی یافت نمی‌شود.^۴ او همچنین در جایی دیگر آورده که وقتی امام سجاد علیه السلام به هنگام عبور از مقتل شهدا جسد پدرش را دید، از بالای شتر بر روی زمین افتاد، با اینکه در غل و زنجیر پیچیده شده بود و در گردنش غل جامعه قرار داشت.^۵

ب) خلق داستان

گاه اصل ماجرای که وجود خارجی نداشته، ساخته می‌شود. برای نمونه، جاری شدن آب از انگشت ابهام امام و نوشیدن اصحاب از آن،^۶ تناول امام و شهدا از مائده آسمانی پس از شهادتشان در کربلا،^۷ نه پشتوانه‌ای حدیثی دارند و نه رخ داده‌اند. این آسیب نه تنها موجب تحریف می‌شود بلکه کارکرد مقتل را تا یک کتاب ادبی محدود و آگاهی بخشی تاریخی را از آن سلب می‌کند.

۱. کاشفی، *روضه الشهداء*، ص ۲۷۶.

۲. افندی، *ریاض العلماء*، ج ۲، ص ۱۹۰؛ امین عاملی، *أعیان الشیعه*، ج ۶، ص ۱۲۲.

۳. افسری کرمانی، *نگرشی به مرثیه‌سرایی در ایران*، ص ۱۳۳.

۴. دربندی، *أسرارالشهادة*، ج ۲، ص ۶۳۱ - ۶۳۰.

۵. همان، ج ۳، ص ۲۷۳.

۶. همان.

۷. همان.

ج) اغراق و افراط در عنصر خیال

عناصر ادبی چون تغییر آهنگ کلام و به کاربردن آرایه‌های ادبی برای شورآفرینی و دیگر کارکردهای سبک ادبی، ضروری به نظر می‌رسد، منتهمی گاه چنین کاربردی با افراط و اغراق، منجر به تحریف ضمنی گزارش می‌شود. کاشفی استقبال مردم مکه از امام را بسیار پرشور نقل کرده است: «فوج فوج مردم به ملازمتش می‌رسیدند»^۱، درحالی‌که چنین استقبالی در هیچ گزارشی ذکر نشده است.

سبک مقاتل	گونه‌شناسی	آسیب‌شناسی
واعظانه (مجلس‌نگاری)	فقدان اصطلاحات تاریخی عنوان‌بندی وقایع و اراشه در قالب یک مجلس خطابه و وعظ	دور شدن از نوع فنی عدم تحقیق و تنقیح زبان حال آسیب فرهنگی
فضیلت‌مدارانه (منقبت‌نگاری)	بیان فضایل و مناقب اهل‌بیت به‌ویژه امام حسین <small>علیه السلام</small> و یارانش	منابع و اسناد نامعتبر روایات فضیلت‌یاب بی‌اساس اغراق و مبالغه تطبیق آیات قرآن با حادثه کربلا
ادبیانه (مرثیه‌نگاری)	پردازش ادبی در قالب شعر یا نثر با هدف تحریک عواطف و احساسات	غلبه احساس و عاطفه خلق داستان اغراق و افراط در عنصر خیال

نتیجه

۱. مقتل‌نگاران در طول دوره مقتل‌نگاری از گونه‌های متعددی برای نوع و سبک مقاتل خویش بهره‌جسته‌اند که اتخاذ و کاربست روش‌ها، بسته به نوع دید و دانش خویش درباره عاشورا بوده است.
۲. تمامی مقاتلی که تا امروز به نگارش درآمده‌اند، از حیث نوع، به گزارشی، ترکیبی و تحلیلی قابل طبقه‌بندی هستند. تخصص مؤلفان مقاتل با نوعی که برای نگارش اتخاذ کرده‌اند، همواره هم‌سو نیست. در میان محدثان، ابن‌قولویه و شیخ صدوق به روش نقلی و ابن‌طاووس به روش تاریخی، وقایع عاشورا را ثبت کرده‌اند و شیخ مفید که وجهه کلامی او بر دیگر فنون او برتری دارد، روش ترکیبی را پیشه خود ساخته است. ابن‌اثیر نیز که شخصیتی ادبی - تاریخی دارد، صرفاً مورخانه عمل کرده است.
۳. درحالی‌که غالباً مقاتل گزارشی تنها از تقطیع آسیب دیده‌اند. در مقاتل ترکیبی، افزون بر تقطیع، آسیب‌تجمع را هم باید لحاظ کرد. مقاتل تحلیلی نیز به جهت نداشتن نوع روایت‌گری،

۱. کاشفی، *روضه الشهداء*، ص ۲۰۳.

آسیب‌هایی پنهان و فراگیرتر چون تغییر و انحراف در زاویه نگاه به عاشورا را می‌تواند به دنبال داشته باشند. باین حال، مهم‌ترین آسیب را - به جهت آنکه اهل سنت نیز گزارش‌هایی از واقعه عاشورا دارند - می‌توان برداشت‌های فرقه‌گرایانه و دخالت دادن دیدگاه‌های شخصی در این نوع مقاتل دانست.

۴. گونه‌شناسی مقاتل از حیث سبک به واعظانه، فضیلت‌مدارانه و ادیبانه تقسیم می‌شود. توجه به فضایل اهل بیت علیهم‌السلام - که در طول قرن‌ها مؤلفان کتب روایی به نقل آنها پرداخته‌اند - از شاخصه‌های اصلی آنها به‌شمار می‌رود، اما در عین حال همین توجه گاه بستری فراهم کرده که محدثان و مورخان بزرگ فریقین از آسیب‌های احتمالی آنها در امان نمانده‌اند. مبالغه، نقل اخبار ضعیف و بی‌سند و تطبیق‌های نابجا، از جمله آسیب‌هایی است که مقاتل فضیلت‌مدارانه را تهدید کرده است.

۵. در سبک واعظانه، عدم تنقیح و تحقیق، زبان حال و آسیب‌های فرهنگی، و در سبک ادیبانه، غلبه عنصر عاطفه و احساس، خلق داستان، غلو و افراط و در نتیجه تحریف، سبب شده‌اند که بازتاب واقعه عاشورا در سبک‌های مذکور، محدود به تاریخی غم بار شود، نه یک حرکت سیاسی برای امر به معروف و نهی از منکر و مبارزه با ستم و ظلم.

۶. پژوهشگران باید در تحقیق تک‌تک آسیب‌ها، خود را ملزم نمایند تا اخبار عاشورا در سلامت و خالی از تحریف قابل انتقال شود. لحاظ کردن نوع و سبک هر مقتل و توجه به آسیب‌ها و آفات خاصی که هر کدام در معرض آن قرار داشته‌اند، می‌تواند مقتل پژوه را در منع از برداشت‌های عجولانه و اتخاذ تصمیمات به موقع در عرصه پژوهش کمک کند.

منابع و مأخذ

۱. ابن آبار، ابو عبدالله محمد بن عبدالله بن ابوبکر قضاعی، *درر السمط فی خبر السبط*، تحقیق عزالدین عمر موسی، بیروت، دار الغرب الإسلامی، ۱۴۰۷ ق.
۲. ابن اثیر، عزالدین ابوالحسن، *الکامل فی التاریخ*، بیروت، دار صادر - دار بیروت، ۱۳۸۵.
۳. ابن تیمیه، ابوالعباس تقی‌الدین، *منهاج السنة النبویه*، تحقیق محمد رشاد سالم، ریاض، جامعه الإمام محمد بن سعود، ۱۴۰۶ ق.
۴. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، *تاریخ ابن خلدون*، تحقیق خلیل شحاده، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۸ ق.
۵. ابن سعد، محمد، *الطبقات الکبری*، تحقیق محمد بن صامل السلمی، الطائف، مکتبه الصدیق، ۱۴۱۴ ق.
۶. ابن سعد، محمد، *ترجمة الإمام الحسین علیه‌السلام من طبقات ابن سعد*، تحقیق سید عبدالعزیز طباطبایی، بیروت، آل البيت علیهم‌السلام، بی تا.

۷. ابن سعد، محمد، ترجمه الإمام الحسن علیه السلام من طبقات ابن سعد، تحقیق سید عبدالعزیز طباطبائی، قم، مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام، ۱۴۱۶ ق.
۸. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی‌طالب علیهم السلام، قم، علامه، ۱۳۷۹.
۹. ابن طاووس، علی بن موسی، اللهوف علی قتلی الطفوف، ترجمه احمد فهری زنجانی، تهران، جهان، ۱۳۴۸.
۱۰. ابن عبدالبر، أبو عمر یوسف بن عبدالله بن محمد، الإستیعاب فی معرفة الأصحاب، تحقیق علی محمد البجاوی، بیروت، دارالجلیل، ۱۴۱۲ ق.
۱۱. ابن عربی، ابوبکر، العواصم من القواصم، تحقیق محب‌الدین خطیب، قاهره، المكتبة السلفية، بی‌تا.
۱۲. ابن عساکر، ابوالقاسم علی بن حسن، تاریخ مدینة دمشق، تحقیق علی شیری، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۵ ق.
۱۳. ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، تحقیق عبدالحسین امینی، نجف، دارالمرتضویه، ۱۳۵۶.
۱۴. ابن کثیر دمشقی، أبو الفداء إسماعیل، البداية و النهاية، بیروت، دارالمعرفة، ۱۴۲۲.
۱۵. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، تحقیق جمال‌الدین میردامادی، بیروت، دارالفکر - دارصادر، ۱۴۱۴ ق.
۱۶. ابن ندیم، محمد بن ابی یعقوب، الفهرست، تحقیق: رضا تجدد، بی‌جا، بی‌تا، بی‌تا.
۱۷. ابن نما، حلّی، جعفر بن محمد، ذوب النضار فی شرح الثار، تحقیق فارس حسون کریم، قم، مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۱۶.
۱۸. ارباب قمی، محمد، اربعین حسینیّه، قم، اسوه، ۱۳۷۲.
۱۹. اصغرپور، حسن، «درآمدی بر مناقب نگاری»، علوم حدیث، سال دوازدهم، ش سوم و چهارم، ص ۲۹۸ - ۲۶۵، قم، ۱۳۸۶.
۲۰. اصفهانی، ابوالفرج، مقاتل الطالبیین، تحقیق سیداحمد صقر، بیروت، دارالمعرفة، بی‌تا.
۲۱. افسری کرمانی، عبدالرضا، نگرشی به مرثیه سرایی در ایران، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۱.
۲۲. افندی، عبدالله بن عیسی، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، قم، الخیام، بی‌تا.
۲۳. امین عاملی، سیدمحسن، أعیان الشیعه، تحقیق سیدحسن امین، بیروت، دارالتعارف، ۱۴۰۳ ق.
۲۴. انصاری، ابن هشام، معنی اللبیب عن کتب الأعراب، تحقیق: عبداللطیف محمد الخطیب، کویت، التراث العربی: المجلس الوطنی للثقافة و الفنون و الأدب، ۱۴۲۱ ق.
۲۵. انیس، ابراهیم و دیگران، المعجم الوسیط، تهران، مکتب نشرالثقافه، ۱۴۰۸ ق.

- ۷۴ □ فصلنامه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، سال ۱۱، بهار ۹۹، ش ۳۸
۲۶. برقی، احمد بن محمد بن خالد، *رجال البرقی*، تحقیق محمد بن حسن طوسی، حسن مصطفوی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۲.
۲۷. بلاذری، أحمد بن یحیی، *أنساب الأشراف*، تحقیق محمدباقر محمودی، بیروت، دارالتعارف، ۱۳۹۷.
۲۸. بهار، محمد تقی، *سبک‌شناسی*، تهران، امیرکبیر، ۱۳۴۹.
۲۹. جعفریان، رسول، *منابع تاریخ اسلام*، قم، انصاریان، ۱۳۸۲.
۳۰. حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله، *كشف الظنون*، بیروت، دار إحياء التراث العربی، بی تا.
۳۱. حسینی، سید عبدالله، *معرفی و نقد منابع عاشورا*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۶.
۳۲. حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، *كشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد*، حاشیه نویسنده: جعفر سبحانی، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۳۸۲.
۳۳. حمویی، ابراهیم بن محمد، *فرائد السمطين فی فضائل المرتضی و البتول و السبطین و الأئم*، تحقیق محمدباقر محمودی، بی جا، مؤسسه المحمودی، ۱۴۰۰ ق.
۳۴. خلیفه بن خیاط، أبو عمرو، *تاریخ خلیفه بن خیاط*، تحقیق فواز، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.
۳۵. دربندی، آغا بن عابد شیروانی حائری، *اکسیر العبادات فی أسرار الشهادات (أسرار الشهداء)*، تحقیق محمد جمعه بادی، عباس ملاعطیه جمری، بحرین، شرکه المصطفی، ۱۴۱۵ ق.
۳۶. دهخدا، علی اکبر، *لغت نامه دهخدا*، تهران، روزبه، ۱۳۷۳.
۳۷. دینوری، ابن قتیبه، *الإمامة و السیاسة*، تحقیق: علی شیری، بیروت، دارالأضواء، ۱۴۱۰ ق.
۳۸. ربیع نتاج، سید علی اکبر، سید مرتضی حسینی امین، «فهم و تحلیل روایات تأویل آیه «کهیص» به واقعه کربلا»، *مطالعات فهم حدیث*، قزوین، دانشگاه امام خمینی، ش ۵، ص ۷۵-۹۱، ۱۳۹۵.
۳۹. رحمان ستایش، محمد کاظم، رفعت، محسن، «روایات عاشورایی الفتوح ابن اعثم کوفی در میزان نقد و بررسی»، *حدیث پژوهی*، شماره ۳، بهار و تابستان ۱۳۹۸.
۴۰. رنجبر، محسن، «سیری در مقتل نویسی و تاریخ‌نگاری عاشورا از آغاز تا عصر حاضر (۱)»، *تاریخ در آینه پژوهش*، قم، مؤسسه امام خمینی، ش ۱۴، ص ۱۹۶-۱۶۵، ۱۳۸۶.
۴۱. رنجبر، محسن، «سیری در مقتل نویسی و تاریخ‌نگاری عاشورا از آغاز تا عصر حاضر (۲)»، *تاریخ در آینه پژوهش*، ش ۱۵، ص ۹۰-۵۳، قم، مؤسسه امام خمینی، ۱۳۸۶.
۴۲. رنجبر، محسن، «سیری در مقتل نویسی و تاریخ‌نگاری عاشورا از آغاز تا عصر حاضر (۳)»، *تاریخ در آینه پژوهش*، قم، مؤسسه امام خمینی، ش ۱۶، ص ۸۳-۲۲، ۱۳۸۶.
۴۳. زرین کوب، عبدالحسین، *تاریخ در ترازو*، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۲.

۴۴. سبط بن جوزی، شمس‌الدین ابوالمظفر یوسف بن قزأوغلی، *تذکرة الخواص*، قم، الشریف الرضی، ۱۴۱۸ ق.
۴۵. سپهر، میرزا محمد تقی، *ناسخ التواریخ امام حسین علیه السلام به قلم روان*، مصحح و بازنویس: محمد محمدی اشتهااردی، قم، ناصر، ۱۳۸۳.
۴۶. سزگین، فؤاد، *تاریخ التراث العربی*، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، بی تا.
۴۷. شاکر، محمد کاظم، *روش‌های تأویل قرآن*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶.
۴۸. صاحبی، محمد جواد، «مقتل و مقتل نگاری»، *کیهان فرهنگی*، ش ۱۱۱، ص ۳۳ - ۳۱، ۱۳۷۳.
۴۹. صالحی شامی، محمد بن یوسف، *سبل الیهدی*، تحقیق: عادل احمد عبدالموجود و علی محمد معوض، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۴.
۵۰. صحتی سرورودی، محمد، *عاشورا پژوهی با رویکردی به تحریف‌شناسی تاریخ امام حسین علیه السلام*، قم، خادم الرضا، ۱۳۸۵.
۵۱. طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن أحمد، *المعجم الکبیر*، تحقیق: حمدی عبدالمجید السلفی، بیروت، دار إحياء التراث العربی، بی تا.
۵۲. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، *تاریخ الطبری*، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دارالتراث، ۱۳۸۷.
۵۳. طریحی، فخرالدین، *المنتخب فی جمع المراثی و الخطب*، تصحیح: نضال علی، بیروت، مؤسسه الأعلمی، ۱۴۲۴.
۵۴. طهرانی، آقابزرگ، *الذریعه الی تصانیف الشیعه*، بیروت، دارالأضواء، ۱۴۰۳ ق.
۵۵. طوسی، محمد بن حسن، *الرجال*، تحقیق: عبدالعزیز طباطبایی، قم، مکتبه المحقق الطباطبایی، ۱۴۲۰ ق.
۵۶. طوسی، محمد بن حسن، *الفهرست*، تحقیق: عبدالعزیز طباطبایی، قم، مکتبه المحقق الطباطبائی، ۱۴۲۰ ق.
۵۷. عالم‌زاده، هادی، «پیشینه تاریخ‌نگاری عاشورا»، *تاریخ اسلام*، قم، دانشگاه باقر العلوم، ش ۷، ص ۹۸ - ۸۳، ۱۳۸۰.
۵۸. عسقلانی، أحمد بن علی بن حجر، *تقریب التهذیب*، تحقیق: مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.
۵۹. فتال نیشابوری، محمد بن احمد، *روضه الواعظین و بصیره المتعظین*، قم، رضی، ۱۳۷۵.

۶۰. قاسم احمد، مریم، «نقد دلالی روایت‌های فطرس ملک»، تحقیقات علوم قرآن و حدیث، ش ۲۱، ص ۱۲۶ - ۱۰۳، تهران، دانشگاه الزهراء، ۱۳۹۳.
۶۱. قاضی نعمان، مغربی، شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار علیهم‌السلام، تحقیق محمدحسین حسینی جلالی، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۹ ق.
۶۲. قمی، عباس، منتهی الآمال فی تواریخ النبی و آل، قم، دلیل، ۱۳۷۹.
۶۳. قمی، عباس، نفس المهموم فی مصیبة سیدنا الحسین المظلوم، نجف، المكتبة الحیدریه، ۱۴۲۱ ق.
۶۴. کاشفی سزواری، ملاحسین، روضة الشهداء، تصحیح: ابوالحسن شعرانی، تهران، اسلامی، بی تا.
۶۵. کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۸۸.
۶۶. کوفی، ابو محمد احمد بن علی، الفتوح، تحقیق علی شیری، بیروت، دار الاضواء، ۱۴۱۱ ق.
۶۷. محمدی نیک ری شهری، محمد، شهادت نامہ امام حسین علیه‌السلام بر پایه منابع معتبر، قم، دارالحدیث، ۱۳۹۰.
۶۸. مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق: اسعد داغر، قم، دارالهجره، ۱۴۰۹ ق.
۶۹. مشهدی نوش آبادی، محمد، «نقش صوفیه در گسترش آیینہ ای نقالی و روضه خوانی»، مطالعات عرفانی، ش پانزدهم، ص ۲۱۴ - ۱۸۵، کاشان، دانشگاه کاشان، ۱۳۹۱.
۷۰. معتمدالدوله، حاجی فرهاد میرزا، مقام زخار و صمصام بتار، تلخیص: غلامحسین انصاری، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۹۱.
۷۱. مغنیه، محمد جواد، نظرات فی التصوف والکرامات، بیروت، منشورات المكتبة الأهلیه، بی تا.
۷۲. مفید، محمدبن محمد بن نعمان، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، تحقیق مؤسسه آل البيت علیهم‌السلام، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳.
۷۳. موتسکی، هارالد، «جمع و تدوین قرآن: بازنگری دیدگاه‌های غربی در پرتو تحولات جدید روش شناختی»، ترجمه مرتضی کریمی نیا، هفت آسمان، ش ۳۲، ص ۱۹۶ - ۱۵۵، قم، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۸۵.
۷۴. نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۳۶۵.
۷۵. نوری، میرزا حسین، لؤلؤ و مرجان، قم، بنی الزهراء، ۱۳۸۸.
۷۶. نویری، شهاب‌الدین، نهاية الأرب فی فنون الأدب، قاهره، دارالکتب و الوثائق القومیه، ۱۴۲۳.
۷۷. یعقوبی، احمدبن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، بیروت، دار صادر، بی تا.